



The Discourse of Resistance The Driving Force for Realizing the Future of the Islamic World

Dr. Alireza Afzali¹

Abstract

If we are to re-examine the future of the Islamic world through the lens of prominent Muslim futurists, two thinkers stand out for their particular concern with the future of Islamic civilization and the Islamic world compared to their peers. Mahdi Elmandjra and Ziauddin Sardar are two Muslim futurists who have deeply engaged with this concern in their various writings, seeking to explain it and propose solutions for its realization. Although the core concern has been well-articulated by these two futurists, they have not been entirely successful in presenting a definitive solution. This article, after a general overview of the conceptual framework of resistance, particularly emphasizing the thought of the Supreme Leader, introduces the Discourse of Resistance as the driving force for realizing the future of the Islamic world. This discourse is poised to disrupt all linear equations and the hostile designs concerning the future of the Islamic world. It can be regarded as an innovative transformation and a super-active approach in achieving the future of the Islamic world, serving as a unifying and consensus-building factor among Islamic nations.

Keywords: Future of the Islamic World, Driving Force, Discourse of Resistance, Futurism, Islamic World.

1. Assistant Professor, Faculty of Management, Imam Sadiq(PBUH) University, Tehran, Iran.
(a.afzali@isu.ac.ir)

گفتمان مقاومت پیشران تحقق آینده جهان اسلام

علیرضا افضلی^۱

چکیده

اگر بخواهیم در خصوص آینده جهان اسلام، بازخوانی ای در بین اندیشه های آینده پژوهان مسلمان مطرح جهان، داشته باشیم، می توان به دو آینده پژوه اشاره کرد که در پژوهش های خود، دغدغه آینده تمدن اسلامی و آینده جهان اسلام را به نسبت سایر آینده پژوهان، بیشتر داشته اند. مهدی المنجره و ضیاء الدین سردار دو آینده پژوه مسلمانی هستند که این دغدغه را در وجود خود داشته و در تألیفات گوناگون خود خواسته اند تا آن را تبیین کرده و راه حلی برای تحقق آن ارائه دهند. اگرچه دغدغه به خوبی از سوی این دو آینده پژوه تبیین شده است، اما در ارائه راه حل نتوانسته اند، آن چنان موفق باشند. در این مقاله، پس از مروری کلی بر چارچوب مفهومی مقاومت با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری، گفتمان مقاومت به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام، معرفی شده است که برهم زننده تمامی معادلات خطی و طراحی های دشمنان در خصوص آینده جهان اسلام خواهد بود و به عنوان یک تغییر نوآورانه و رویکرد فوق فعال در تحقق آینده جهان اسلام و عامل همگرا و وحدت آفرین کشورهای اسلامی، می تواند تلقی شود.

واژگان کلیدی

آینده جهان اسلام، پیشران، گفتمان مقاومت، آینده پژوهی، جهان اسلام.

مقدمه

آینده پژوهی، علم و هنر معماری و طراحی آینده است. به تعبیر فن اشتینبرگن^۲ (۱۹۸۳م)، آینده پژوه در طراحی اقدام اجتماعی و نظام های آن، خود را از حالت بیننده ای منفعل به شرکت کننده ای فعال در فرایند تدوین سیاست تبدیل می کند. به این ترتیب، هر آینده پژوه، به نوعی یک معمار اجتماعی است. در همین راستا، آینده پژوهان برای یافتن پاسخ پرسش هایی

۱. استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (a.afzali@isu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

از قبیل «برای تسریع، تعویق یا پیشگیری از روندی خاص، چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ چگونه می‌توان وضعیت پایدار موجود را به وضعیتی بهتر تغییر داد؟ چگونه می‌توان تصویرهای مطلوب از آینده را به واقعیت رساند و از تحقق تصویرهای نامطلوب جلوگیری کرد؟» در مقام طراح نظام‌های اجتماعی آینده نقشی فعال دارند (بل، ۱۳۹۱: ص ۱۹۱).

در طرف دیگر، یکی از انتقادهای جدی که بر حوزه دانشی آینده‌پژوهی وارد است، این است که آینده‌پژوهی، علمی است که به بهترین شکل ممکن، در خدمت آرمان استبدادگرایی و فاشیسم قرار دارد. به تعبیر کنث ام و پاتریشیا دولبیر،^۱ آینده‌پژوهی ابزاری است در خدمت تصمیم‌گیرندگان روشن فکر و وسیله‌ای است برای افزایش سلطه آنان بر جوامع خود. آنها بر این باورند که آینده‌پژوهی به تمرکز در تصمیم‌گیری و کنترل انحصارگرایانه، مشروعیت بخشیده و به شکل اجتناب‌ناپذیری، در راستای حمایت از منافع واحدهای بزرگ اقتصاد سرمایه‌داری حاکم بر جهان، گام برمی‌دارد (بل، ۱۳۹۱: ص ۲۱۵).

حال اگر آینده‌پژوهی، ابزاری برای کنترل آینده و هدایت و ساخت آن است، آنگاه این پرسش مطرح می‌شود که آینده‌پژوهان در راستای مصالح چه کسانی گام برداشته و براساس آن قصد کنترل آینده را دارند؟ آینده در راستای تحقق اهداف چه کسانی در حال شکل‌گیری است؟ چه افرادی و با چه هدفی آینده‌پژوهی و آینده‌پژوهان را کنترل می‌کنند؟ گالتونگ و جانک^۲ (۱۹۷۱م) به این نکته اشاره می‌کنند که برتری برخی کشورها در منابع و ظرفیت‌های آینده‌پژوهی، سبب تفاوت قدرت برخی از آنها در سطح بین‌المللی به نسبت سایر کشورها شده است؛ زیرا هر کس از آینده شناخت بیشتری داشته باشد، می‌تواند تا حدی زمان حال را نیز بیشتر تحت کنترل خود قرار دهد. به همین دلیل این دو نفر، پیشنهاد می‌کنند که علم آینده‌پژوهی باید در حداقل زمان ممکن، در سطح بین‌المللی مطرح شود تا همه کشورها بتوانند در شکل‌دادن به آینده سهمیم باشند. به تعبیر آنها، آینده‌پژوهی باید تا حد امکان مردمی شود؛ یعنی باید ابزارهای آینده‌پژوهی را به طور یکسان در اختیار همه انسان‌ها قرار داد. باید همه انسان‌ها را در شکل‌دادن به آینده سهمیم کرد. آنها معتقدند که آینده به همه انسان‌ها تعلق دارد و نه تنها به گروه‌های کوچک سلطه‌طلب و منافع آنها. به تعبیر دیگر، نباید درخت دانش

1. Kenneth M. and Patricia Dolbeare

2. Galtung and Jungk

آینده پژوهی را قطع کنیم، بلکه باید در میوه‌های آن با یکدیگر سهیم باشیم! (بل، ۱۳۹۱: ص ۲۱۷).

با این مقدمه کوتاه که به آینده پژوهی و جایگاه راهبردی آن در هدایت، کنترل و شکل‌دهی جهان آینده و نظام‌های اجتماعی آن اشاره دارد، باید پرسید در خصوص آینده جهان اسلام وضعیت چگونه است؟ آیا مسلمانان حاکم بر سرنوشت و آینده خود هستند؟ یا آن‌که در مسیر تحقق آینده‌هایی که کشورهای استعمارگر و سلطه‌طلب برای آنها ترسیم کرده‌اند، در حرکت هستند؟ چگونه جوامع اسلامی می‌توانند آینده خود را، خود طراحی کرده و کنترل کنند؟ چگونه مسلمانان می‌توانند حاکم بر سرنوشت خویش شده و خود برای آینده خود تصمیم گیرند؟ این پژوهش باهدف ارائه پاسخ به سؤالاتی این‌چنین، تعریف شده است. به عبارتی سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه مسلمانان می‌توانند به شکل فعالانه، آینده جهان اسلام را خود طراحی کرده و شکل دهند؟

در همین راستا، ابتدا مروری بر دیدگاه دو آینده‌پژوه مسلمان در خصوص آینده جهان اسلام و مسائل مرتبط با آن داشته و به جمع‌بندی دیدگاه‌های آنها در این زمینه می‌پردازیم. در ادامه، گفتمان مقاومت به عنوان راهبرد فوق فعال جهان اسلام در طراحی آینده و به عنوان پیش‌ران تحقق آینده جهان اسلام ارائه می‌شود. برای تبیین چارچوب کلی این گفتمان از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) استفاده شده است.

روش تحقیق در این مقاله براساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش تحلیل محتوا بر روی دیدگاه‌های آینده‌پژوهان برجسته در خصوص آینده جهان اسلام و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در حوزه مقاومت و ماهیت آن است.

در خصوص پیشینه پژوهش نیز لازم به ذکر است که مطالعاتی در حوزه آینده جهان اسلام، هم در داخل و هم در عرصه بین‌الملل صورت گرفته است. به عنوان مثال ضیاءالدین سردار و مهدی المنجره، دو آینده‌پژوه مسلمانی هستند که باتوجه به دغدغه جهان اسلام و امت اسلامی، پژوهش‌هایی را در قالب مقاله و کتاب در این حوزه ارائه داده‌اند. همچنین این دغدغه را می‌توان به شکل جزئی‌تر، در نوشته‌های سهیل عنایت‌اله، آینده‌پژوه پاکستانی نیز یافت. در همین راستا، مقالاتی نیز در داخل تدوین شده‌اند که به تصویر جامعه موعود به عنوان آینده مطلوب جهان اسلام و تمدن اسلامی پرداخته‌اند. به عنوان مثال از این بخش می‌توان به مقاله «ویژگی‌های حکومت آخرالزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در

آینده‌پژوهی اسلامی باتکیه بر نهج البلاغه» (امین ناجی، دلشاد تهرانی، مصطفی، محتشمی، ۱۳۹۵)، و مقاله «آینده در قلمرو مدیریت و رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف» (نجات بخش اصفهانی، ۱۳۹۲) و مقاله «تصویرپردازی از ویژگی‌های آینده موعود: به سوی الگوی قرآنی» (نقی پورفر و افضلی، ۱۳۸۷) اشاره کرد. همچنین کتاب‌ها و مقالات متنوعی در خصوص تمدن نوین اسلامی و مراحل تحقق آن، به عنوان تصویر مطلوب آینده جهان اسلام نیز در این زمینه تدوین شده است. به عنوان مثال می‌توان به مقاله «تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی» (قاسمی، ۱۳۹۶)، مقاله «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (شاکری زواردهی و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۷) و مقاله «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی» (فرمehنی فراهانی، ۱۳۹۵) در این بخش اشاره کرد. از طرف دیگر، در حوزه مقاومت نیز مطالعات متنوع و گوناگونی در تبیین ماهیت گفتمان مقاومت و تناسب آن با مباحث امنیت صورت گرفته است. به عنوان مثال در این بخش می‌توان به مقاله «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام» (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷)، مقاله «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای» (مهدی پور، ۱۳۹۸) و مقاله «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی» (قاسمی، ۱۳۹۷) اشاره کرد. اما در خصوص نسبت بین گفتمان مقاومت و آینده جهان اسلام و این‌که گفتمان مقاومت می‌تواند به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام لحاظ شود، پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است و این مقاله از این لحاظ دارای نوآوری است.

بررسی آینده جهان اسلام از منظر آینده‌پژوهان

اگر بخواهیم در خصوص آینده جهان اسلام، بازخوانی‌ای در بین اندیشه‌های آینده‌پژوهان مطرح جهان داشته باشیم، می‌توان آینده‌پژوهانی را مطرح کرد که دغدغه این مسئله را داشته و تلاش‌ها و پیشنهاداتی در این زمینه داشته‌اند. با توجه به محدودیت موجود در این نوشتار، امکان بررسی دیدگاه‌های همه این آینده‌پژوهان وجود نداشته و تنها به دو آینده‌پژوه اشاره می‌کنیم که بیش از دیگران، به این موضوع پرداخته‌اند.

۱. دیدگاه مهدی المنجره

یکی از آینده‌پژوهانی که دغدغه آینده جهان اسلام را دارد، آقای مهدی المنجره،

آینده‌پژوه مسلمان مراکشی است. ایشان با توجه به تألیفاتی که دارد، نشان می‌دهد که تمدن اسلامی و آینده آن، از دغدغه‌های جدی وی است؛ به طوری که بیشتر تلاش‌های او به عنوان مسلمان تکثرگرا، به آینده جهان اسلام و مسلمانان معطوف است (بهروز لک و میرشاه ولایتی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۵). ایشان در تحلیل آینده جهان اسلام، به صراحت تأکید می‌کند بر این که جهان اسلام در حال حاضر حاکم بر سرنوشت خویش نبوده و این واقعیت به واسطه دلایل بسیاری قابل اثبات است و آن، نتیجه گذشته آنها بوده و هنوز در حال تأثیرگذاری بر حال حاضر آنهاست و آینده آنها را نیز مشروط می‌کند. به زعم وی، برجسته‌ترین ویژگی دنیای عرب امروز، ماهیت کوچک‌سازی کشورهای این منطقه است که بی شک به یکی از مسائل غامض پیش روی منطقه تبدیل شده است (المنجره، ۲۰۰۴م: ص ۴). به باور وی، این تقسیم‌بندی ژئوپلیتیکی، نتیجه برنامه استعماری انگلیسی - فرانسوی، پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی، براساس قرارداد سایکس - پیکوت در سال ۱۹۱۶، اعلامیه بالفور در مورد فلسطین در سال ۱۹۱۷ و معاهده آرمیستیک است که براساس آن، منطقه به چند امیرنشین جعلی و سرزمین‌هایی کوچک با چاه‌های نفتی تبدیل شده است. در نتیجه، توزیع ناعادلانه درآمد سرانه در منطقه، از کمتر از پانصد دلار در کشورهای هم‌چون سومالی، یمن و موریتانی تا بیش از بیست هزار دلار در امارات متحده عربی و کویت صورت پذیرفته است. به اعتقاد وی، تصور مردم از ثروت دنیای عرب، نیاز به اصلاح دارد. کل تولید ناخالص داخلی کشورهای عربی حتی از اسپانیا نیز کمتر است و تنها یک چهارم تولید ناخالص داخلی کشور آلمان است (المنجره، ۲۰۰۴م: ص ۳). ایشان در جای دیگر این‌گونه می‌گوید:

اصلی‌ترین ویژگی دنیای اسلام، در حال توسعه بودن آن است. از بزرگ‌ترین کاستی‌های امروز دنیای اسلام آن است که دولت‌های اسلامی، چشم‌انداز شفاف و روشنی از آینده و الزامات آن ندارند. ضعف دیگر، خود فراموشی و گرایش به تقلید کورکورانه و اطاعت بی‌چون و چر از غرب و توصیه‌های منابع اطلاعاتی بیگانه و رهنمودهایی است که تحت حمایت غرب و شرق به سوی آنها روانه می‌شود. برنامه‌های توسعه در این کشورها بر پایه تقلید کورکورانه از غرب بنا شده است و وابستگی زیادی به کمک‌های غربی دارند (المنجره، ۱۳۸۴: ص ۱۳-۱۵).

ایشان سه سناریوی متفاوت از آینده جهان اسلام ارائه می‌دهد: **سناریو اول:** «سناریو تداوم و پابرجایی» است که حاکی از ادامه وضع موجود کشورهای اسلامی و پیاده‌سازی اندیشه ثبات از دیدگاه آمریکایی یا غربی است. این بدین معناست که جهان اسلام در آینده، درخششی

نخواهد داشت و در مسیر طراحی شده غربی در حال حرکت است. **سناریو دوم:** «سناریوی اصلاح طلبانه» است که در این سناریو، حداقل اندیشه ثبات، حاکم است و مقدمه‌ای از اصلاحات و تغییرات اساسی در پاسخ به نیازهای واقعی مردم آشکار می‌شود که به اعتقاد وی، این کار باید به سرعت انجام گیرد. مسائل عمده‌ای که باید در اولویت قرار گیرند: فقر، بی‌سوادی، نابرابری اقتصادی و مردم‌سالاری است؛ لذا در این مسیر، روشنفکران و نخبگان تحصیل کرده، نقش مهمی را ایفا خواهند کرد و بیگانگی آنها از محیط فرهنگی باید اصلاح شود. **سناریو سوم:** «سناریوی دگرگونی» است که به اعتقاد ایشان، این سناریو است که تغییری واقعی را رقم می‌زند که به واسطه آن، می‌توان به رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی و مردم‌سالاری دست یافت (المنجره، ۱۹۹۱م: ص ۲-۴).

المنجره باور دارد که اسلام، عامل قدرتمندی در تحول و نوآوری است که نقشی حیاتی در تکامل جامعه اسلامی ایفا می‌کند. به اعتقاد وی «... آینده جهان اسلام، وابسته به احیای اسلام با پذیرفتن نوآورانه و خلاقانه آن است و نه اسلام تقلیدی کورکورانه که همین تقلید، عامل سقوط تمدن درخشان پیشین شده است». در واقع وی استدلال می‌کند که اگر حضرت محمد ﷺ و اصحابش در تصور و پیش‌بینی آینده، کوتاهی کرده بودند، شاید جمعیت مسلمانان در جهان امروز، حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر نبود. (المنجره، ۱۹۹۰م: ص ۴) در همین راستا، المنجره واژه تغییر را به عنوان عنصر ضروری برای آینده‌ای بهتر می‌داند. در ضمن، وی بر رفتار پیامبر اسلام ﷺ در زندگی و رسالت خویش، در رویکرد نگاه روبه جلو اشاره دارد و این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «تمامی آیات قرآن، ما را به استفاده هرچه بهتر از زمان حال و آمادگی دقیق و هوشمندانه برای آینده فرامی‌خوانند. قرآن به ما سفارش می‌کند که برای آینده (منظور مابقی زندگی ما در دنیا و آخرت)، برنامه‌ریزی کنیم و روی گزینه‌های گوناگون، تدبیر داشته باشیم تا ظرفیت خود را برای الزامات آینده، ارتقا دهیم و رفاه خود را بهبود بخشیم» (المنجره، ۱۹۹۰م: ص ۲-۳).

در نهایت به نظر می‌رسد باتوجه به سناریوهایی که برای آینده جهان اسلام، مطرح می‌کند، سناریو سوم که همان سناریو تحول و دگرگونی است را برای تحقق دورنما و چشم‌انداز تمدن اسلامی پیشنهاد می‌دهد و عامل تحقق بخش آن را، تغییر و نوآوری به معنای مثبت آن باتکیه بر نگاه به درون و همکاری و مشارکت عموم جوامع اسلامی و نه براساس نگاه به غرب می‌داند.

۲. دیدگاه ضیاءالدین سردار

شخصیت دیگر آقای ضیاءالدین سردار، آینده پژوه مسلمان پاکستانی است که به شکلی جدی تر، دغدغه آینده جهان اسلام را داشته؛ تا آن جا که به نوعی به ارائه رویکرد جدیدی در حوزه دانشی آینده پژوهی، با عنوان آینده پژوهی اسلامی برای تحقق تمدن اسلامی می پردازد. البته ایشان به تبیین این رویکرد نمی پردازد؛ اما ضرورت آن را به نوعی تبیین می کند. به گفته عنایت اله، کانون تمرکز سردار در مباحث آینده پژوهی را می توان در سه حوزه بیان کرد: آینده تمدن اسلامی، دانش اسلامی و رابطه اسلام و پست مدرنیسم. سردار به موضوع آینده تمدن اسلامی با رویکردی تمدن گرایانه می نگرد، اما معتقد است که فرایند بازسازی را باید از چارچوب روش شناسی نگاه به آینده، پیگیری کرد. از طرف دیگر، موضوع دانش اسلامی را از این منظر مطرح می کند که باید علوم اسلامی متمایز با پارادایم ها و جهان بینی های خاص خود طراحی شود (عنایت اله، ۱۹۹۸م: ص ۱-۳۰).

وی در کتاب «آینده تمدن اسلامی» به بیان این نکته می پردازد که تمدن اسلامی باقی خواهد ماند، همانند یک برکه راکد که پر از منابع بالقوه است؛ مگر این که مسلمانان متوجه آینده خودشان شوند و بکوشند تا آن را به دست گیرند. به اعتقاد سردار، مسلمانان دو گزینه در مورد آینده در اختیار دارند: اول این که آنها می توانند آینده ای توسعه یافته که مبتنی بر توسعه خطی وضعیت عقب افتاده و استعمار شده زمان حال حاضر، داشته باشند (که همان آینده بی هدف است)؛ دوم این که آنها می توانند آینده ای روشن تر و چه بسا آینده ای درخشان داشته باشند، به شرطی که به طور سازنده و فعال، برنامه ریزی کرده و با آینده نگاری اقدام کنند (سردار، ۱۹۸۸م: ص ۱۱).

لذا ایشان با نگاه به گزینه دوم، به ارائه «پروژه عمران» در کتاب «آینده تمدن اسلامی» می پردازد که در برگیرنده راهبردهایی در جهت تحقق احیای تمدن اسلامی است. به بیان ایشان، اصطلاح عمران، توسط ابن خلدون مطرح شده که دلالت بر توصیف تمدنی پویا، در حال رشد و کارآمد دارد. سردار گام های این طرح را به این صورت بیان می کند: ۱. تبیین مدل مدینه فاضله؛ ۲. تبیین پارامترهای تمدن اسلامی؛ ۳. خلق مدل ها، نظریه ها و پارادایم هایی مبتنی بر دو مرحله قبلی؛ ۴. ارزیابی واقع بینانه از محیط کنونی و برآورد محیط آینده احتمالی؛ ۵. تبیین اهداف امت اسلامی؛ ۶. تدوین نقشه هایی برای رسیدن به اهداف و ارزیابی گزینه هایی برای آینده؛ ۷. بازنگری مستمر در آینده های بدیل استنتاج شده از مراحل قبلی (سردار، ۱۹۸۸م: صص. ۱۳۳-۱۳۴).

سردار با ارائه این پروژه متمدنانه می‌کوشد تا فرایند بازسازی تمدن اسلامی را در چارچوب «حکومت امت» تعریف کند که این حکومت، مبتنی بر مدل جامعه مدنی است که پیامبر اکرم ﷺ آن را بنا نهاده است. به نوعی ایشان در این پروژه، به دنبال «گسترش حس سرنوشت خودسامان یافته» است تا این که مسلمانان را در اتخاذ تصمیم‌های بهتر و برپاسازی حکومتی براساس مدل حکومتی پیامبر توانمند سازد (سردار، ۱۹۸۵). سردار به منظور برخورد با چالش‌های آینده، سه اقدام را برای امت اسلامی تجویز می‌کند: ۱. توسعه و گسترش هوشیاری و تعاون در میان امت و همچنین توسعه وحدت که در برگیرنده همه امت و جوامع مسلمانان باشد؛ ۲. بررسی تغییرات و پیامدهای آنها در سراسر جهان و همچنین برنامه‌ریزی راهبردی‌پردازانه برای آینده؛ ۳. تطبیق و سازگار کردن خود با تغییرات از طریق پالایش و حذف جنبه‌های منفی و مخرب دیگر تمدن‌ها و پذیرش جنبه‌های مثبت و سازنده آنها (سردار، ۱۹۹۸م: صص. ۱۶۹-۱۷۷).

در نهایت باید گفت که سردار به شکل‌گیری تمدن اسلامی امیدوار بوده و به شکل خوش‌بینانه‌ای به آن می‌نگرد. ایشان در جایی این‌گونه بیان می‌کند که خودتان را برای ظهور دوباره تمدنی پویا و پررونق از اسلام آماده کنید. این تمدن در آینده‌ای نزدیک محقق نمی‌شود. شکل‌گیری آن، چندین دهه یا حتی نیمی از یک قرن به طول خواهد انجامید (سردار، ۲۰۰۶م: ص. ۱۰۹).

۳. تحلیل دیدگاه‌های این دو آینده‌پژوه در خصوص آینده جهان اسلام

در تحلیل دیدگاه‌های این دو آینده‌پژوه در مورد آینده جهان اسلام، این‌گونه می‌توان گفت که دغدغه آینده جهان اسلام برای این دو آینده‌پژوه، دغدغه‌ای جدی بوده است و در همین راستا می‌توان به چند نکته مهم در دیدگاه‌های این دو آینده‌پژوه اشاره کرد: حاکم نبودن جهان اسلام بر آینده خویش؛ وجود ظرفیت‌های بالقوه تغییر و نوآوری در آموزه‌های اسلام؛ ضرورت داشتن دورنما و چشم‌انداز از آینده جهان اسلام؛ ضرورت تغییر و حرکت نوآورانه در تحقق دادن تمدن اسلامی.

همچنین ضرورت اتخاذ رویکردی فعال در مصاف با آینده و تصویرسازی‌های القایی ارائه شده از کشورهای سلطه‌گر، نیز به شکلی خاص در دیدگاه این دو آینده‌پژوه مطرح است؛ به طوری که آقای المنجره آن را در قالب سناریوی سوم مطرح می‌کند و این سناریو را به عنوان

سناریوی مطلوب جهان اسلام در مصاف با آینده و طراحی‌های القایی سلطه‌طلبان و استعمارگران در خصوص آینده جهان اسلام معرفی می‌کند. در نگاه سردار نیز این نکته تبلور داشته و ایشان در راهکار دوم جهان اسلام در برابر آینده، به اتخاذ رویکرد فعال در مصاف با آینده و طراحی آینده‌ای روشن‌تر به شرط برنامه‌ریزی کردن آن به طور سازنده و با آینده‌نگاری اشاره می‌کند. وی پروژه عمران را نیز در راستای همین رویکرد بیان می‌کند.

نکته دیگر، تأکید این دو آینده‌پژوه بر وحدت و همگرایی جهان اسلام، ذیل عنوان امت واحده و تلاش برای شکل‌گیری این امت در جهت تحقق آینده مطلوب است. در کنار تأکیداتی که اسلام بر وحدت مسلمانان دارد، بررسی تحولات نظام بین‌الملل، حاکی از آن است که کشورهای اسلامی تنها زمانی می‌توانند به عنوان یک قطب قدرتمند در جهان آینده، ایفای نقش کنند که از واگرایی به سمت همگرایی میل پیدا کنند. همچنین مطالعه روندها و رویدادهای مرتبط با تحولات جهان اسلام، این نکته را بیان می‌کند که احیای شکوهمند تمدن اسلامی آینده و تحقق آینده جهان اسلام، در گرو توجه به عوامل همگرا و واگرای اجزای تشکیل‌دهنده این تمدن است. کشورهای اسلامی مهم‌ترین اجزای شکل‌دهنده تمدن اسلامی در جهان آینده هستند. تحکیم تمدن اسلامی به عنوان یکی از قطب‌های قدرت در جهان آینده، مستلزم تقویت همگرایی میان کشورهای اسلامی و کم‌رنگ کردن نقش عوامل واگرا در تعامل بین این کشورهاست (حسینی‌مقدم و صنیع‌اجلال، ۱۳۹۱: ص. ۱۳).

با وجود این واقعیت که همه مسائل و مشکلاتی که این دو آینده‌پژوه مطرح می‌کنند، مهم و حیاتی هستند، اما فقدان طرحی نظام‌مند که به چگونگی برطرف کردن مشکلات جهان اسلام و ارائه راه‌حل‌هایی جایگزین از جانب آنان، بپردازد، تا اندازه‌ای مأیوس‌کننده است (پدرام و طبائیان، ۱۳۹۲: ص. ۱۹). به عبارت دیگر، مسئله و دغدغه، به خوبی توسط این دو آینده‌پژوه تبیین شده است و به خوبی توانسته‌اند این مسئله را بیان و ابعاد آن را تبیین کنند، اما در خصوص ارائه راه‌حل، به نظر می‌رسد که نتوانسته‌اند راهکاری جدی در این خصوص ارائه دهند.

لزوم اتخاذ رویکرد فوق‌فعال توسط جوامع اسلامی برای تحقق آینده جهان اسلام

در تنازعات تعریف شده در عرصه بین‌الملل در جهت تصاحب آینده، نقطه آرمانی وضع مطلوب برای سیاست‌مداران کشورهای پیشرو استعمارگر و سلطه‌طلب، آن است که آینده کشور

خود و سایر کشورهای مرتبط را به گونه ای که خود می خواهند و نه آن طور که ملیت ها و قومیت های آن کشورها می خواهند، شکل دهند (پورعزت، ۱۳۸۲: ص. ۳۶). در خصوص آینده جهان اسلام و جوامع اسلامی نیز واقعیت آن است که از سوی قدرت های استعمارگر و سلطه طلب، این امر اتفاق افتاده و تصاویری القایی ارائه شده و برنامه ریزی ها و طراحی هایی از قبل صورت گرفته است که اگر مسلمانان و جوامع اسلامی، در این خصوص هشیار نبوده و خود برای آینده خود تصمیم نگیرند، طبیعتاً در آینده های تعریف شده از سوی طراحان آنها، قرار خواهند گرفت. به عنوان مثال می توان به وضعیت موجود کشور افغانستان و نابسامانی های آن، کشور سوریه و جنگ چند ساله آن با تکفیری های داعشی و در نهایت تصاحب بی درنگ آن کشور توسط سلفی ها، وضعیت کشور عراق و حتی عربستان و آینده ای که غربی ها برای آنها طراحی کرده اند، اشاره کرد که همه آنها، محصول تصاویری خاص از آینده القایی است که توسط کشورهای سلطه طلب، طراحی شده است. اگر جوامع اسلامی به هوش نبوده و خود برای آینده خود، انتخاب و طراحی نداشته باشند، طبیعتاً در زمین بازی طراحی شده توسط کشورهای سلطه طلب قرار خواهند گرفت و آنها برای آینده این جوامع تصمیم خواهند گرفت، هرچند که این اتفاق افتاده است.

در برابر این تصاویر و طرح های القایی صورت گرفته از غرب در خصوص آینده جهان اسلام، رویکرد مطلوب و واکنش شایسته ای که جوامع اسلامی می توانند اتخاذ کنند، رویکرد فوق فعال (پورعزت، ۱۳۸۲: ص. ۳۶) است. این رویکرد، استراتژی جوامعی است که به عمق طراحی القایی صورت گرفته از آینده، توسط کشورهای سلطه طلب واقف هستند و سرشت القایی آن را درمی یابند. لازمه این رویکرد، وقوف بر قواعد بازی و برخورداری از توانمندی کافی برای برهم زدن آن تصاویر القایی و بسیج هوشمندانه استعداد های ملی و بین المللی در سطح جهان اسلام، در جهت پی ریزی قواعدی جدید است؛ چیزی که آقای المنجره و سردار نیز به نوعی بر آن تأکید داشتند. این مهم از طریق ارائه تصویری متمایز و رقیب، قابل اجرا است؛ تصویری که شالوده تصویر پردازش یافته کشور سلطه طلب را در هم می شکند و تصویری حقیقی تر و یا دست کم متفاوت را، در معرض دید عموم قرار می دهد. در همین راستا، اتحاد و همگرایی جهان اسلام و تشکیل امت واحده باهدف تحقق آینده مطلوب جهان اسلام لازم است.

گفتمان مقاومت، عامل وحدت آفرین جهان اسلام و پیشران تحقق آینده جهان اسلام

در بررسی دیدگاه‌های آقای المنجره و سردار، گفته شد که دغدغه آینده جهان اسلام و ضرورت تحقق آن، به خوبی در منظر این دو آینده‌پژوه تبیین شده است؛ اما راه حل تحقق آن، به خوبی بیان نشده است. در پاسخ به این دغدغه، می‌توان گفتمان مقاومت در سطح منطقه و جهان اسلام را به عنوان، عامل همگرایی و وحدت آفرینی در جهان اسلام و پیشران تحقق آینده مطلوب جهان اسلام معرفی کرد. چارچوب این گفتمان به خوبی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و همچنین منظومه فکری امام خمینی رحمته الله علیه تبیین شده است. همچنین می‌توان در بیانات مقام معظم رهبری، نسبت و نقش این گفتمان را در تحقق آینده جهان اسلام رصد کرد. در ادامه به تبیین چارچوب کلی این گفتمان و نسبت و نقش آن در تحقق آینده جهان اسلام با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پرداخته و به دنبال آن، به تبیین گفتمان مقاومت به عنوان پیشران و تسریع کننده تمدنی تحقق آینده جهان اسلام می‌پردازیم.

۱. نسبت گفتمان مقاومت با تحقق آینده جهان اسلام در اندیشه مقام معظم رهبری

اساساً می‌توان مفهوم مقاومت را برآمده از آموزه‌های اسلام دانست که مورد تأکید آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام است. قرآن کریم در خصوص کسانی که در مسیر دینداری خود، استقامت ورزیده و پایداری می‌کنند، می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت: ۳۰)؛

بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس پایداری نمودند، فرشتگان بر آنها فرود آیند (و می‌گویند) که هرگز نترسید و غمگین نشوید و شما را مژده باد به بهشتی که (در دنیا) وعده داده می‌شدید.

در آیه ای دیگر، سنت و قانون تکوینی که مترتب بر پایداری و استقامت، تعریف شده است، این‌گونه بیان می‌شود:

﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن: ۱۶)؛

بی‌تردید اگر (انس و جن) بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت و پایداری می‌ورزیدند، حتماً آنها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب می‌ساختیم.

از منظر اسلام، مقاومت، مفهومی پویا و رهایی بخش در برابر نظام سلطه مطرح می‌شود. قیام عاشورا و فلسفه شکل‌گیری و تحقق آن را می‌توان در همین راستا و مبتنی بر آن، تبیین و تفسیر کرد. همچنین می‌توان چارچوب شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن را، مبتنی بر مفهوم مقاومت در برابر نظام سلطه تصور کرد. معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله این مفهوم را به شکلی عمیق از معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام فهمیده و اساس و بنیان انقلاب اسلامی را در قالب همین چارچوب تعریف کردند و در دوره‌های مختلف، همواره بر مقاومت تأکید می‌کردند. ایشان می‌فرمایند:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمان‌ها در جهان، سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمان‌های جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌خواهی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد... ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم... باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این، شدنی است. زیرا بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ص. ۳۶۴).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیان خصوصیت امام از جنبه مقاومت، این‌گونه می‌فرمایند:

یک خصوصیت از خصوصیات امام هست که بنده امروز درباره آن بیشتر می‌خواهم صحبت کنم و آن، خصوصیت «مقاومت» است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات).

با رحلت امام خمینی رحمه‌الله و آغاز رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، این گفتمان وارد مرحله جدیدی شد و آن تأثیر این راهبرد در تشکیل تمدن نوین اسلامی به عنوان تصویر مطلوب آینده جهان اسلام است. واژه مقاومت در اندیشه رهبری از آغاز تاکنون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی بیانات ایشان از سال ۱۳۶۸ تا به امروز، نشان می‌دهد که مفهوم مقاومت در منظومه فکری ایشان به عنوان چراغ و نقشه راه برای رسیدن به تمدن نوین

اسلامی و تحقق آینده جهان اسلام است. مفهوم مقاومت و سایر مفاهیم مترادف آن از جمله استقامت، ایستادگی، پایداری و... به دفعات در بیانات و دغدغه‌های ایشان ملاحظه می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص. ۵۴۴).

مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری به عنوان یک رویکرد و مکتب فکری، عنوان شده است که برگرفته از آموزه‌های وحیانی و به تاسی از راه پیامبران و ائمه علیهم‌السلام بر حفظ ارزش‌های ثابت و اصیل اسلامی در مقابل نظام سلطه تأکید می‌ورزد (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص. ۵۶۴). «معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن راه را حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه، شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند. این معنای مقاومت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات).

مقاومت از نظر ایشان، اقدامی مبتکرانه و نه منفعلانه، عقلانی و نه احساسی، شجاعانه و نه مرعوبانه، و امیدوارانه و نه مأیوسانه در برابر هر گونه زیاده‌خواهی نظام سلطه غربی است (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص. ۵۶۴). «هر جا که می‌بینید یک عقب‌نشینی ای انجام گرفته است، یک ناکامی پیش آمده است، به خاطر این است که در استقامت ما سستی پیدا شده بود. هر جا استقامت کردیم، پیش رفتیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، بیانات). همچنین ایشان در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله این گونه بیان فرمودند:

خطای بزرگ این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن کلفت‌های عالم، نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات).

در اندیشه مقام معظم رهبری، ماهیت و معنای مقاومت، صرفاً محدود به یک بعد، آن هم جنبه دفاعی و نظامی نمی‌شود، بلکه مقاومت در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، مدنظر است (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص. ۵۵۸). «مسجد هسته مقاومت است، منتها مقاومت به انواع آن؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما این که در مساجد این گونه بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، بیانات).

در همین راستا، ایشان جهاد کبیر را به عنوان یکی از انواع جهاد اصغر، در حقیقت مترادف با تسلیم‌ناپذیری و مقاومت در میدان‌های گوناگون مطرح می‌سازند. «جهاد کبیر یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر، از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته، اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های

مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان های مختلف از دشمن تبعیت نکن. این شد جهاد کبیر» (خامنه ای، ۱۳۹۵، بیانات) ایشان در جای دیگر این گونه می فرمایند:

هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه ای برسیم که این نقطه، بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه زمینه ها منصرف کند (خامنه ای ۱۳۹۸، بیانات).

در همین راستا، سیاست های اقتصاد مقاومتی را که مقام معظم رهبری، در سال های گذشته، به عنوان راهگشای کشور از بن بست های اقتصادی بیان فرموده اند، کاملاً در گفتمان مقاومت تعریف می شود. ایشان در بیانیه گام دوم این گونه می فرمایند:

راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرائی برای همه بخش های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت ها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی گری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیت هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش های مهم این راه حل هاست (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

از منظر مقام معظم رهبری، گفتمان مقاومت، تنها راه نجات کشورهای اسلامی از زیر یوغ گردن کشان و سلطه جویان غربی است. ایشان در سخنی، این گونه می فرمایند:

امروز سیاست های استکباری همچون بلایی بزرگ به جان بشریت افتاده و تنها راه پیشرفت و پیروزی کشورهای مستقل، ایستادگی و تکیه بر توده های مردم در جنگ اراده ها است. جنگ های امروز دنیا در واقع، جنگ اراده هاست (خامنه ای، ۱۳۹۴، بیانات).

ایشان در جای دیگر در همین راستا، این گونه بیان می فرمایند:

امروزه در منطقه ما، منطقه غرب آسیا، کلمه مشترک ملت ها، مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته بعضی جرئت می کنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمی کنند. اما آن کسانی هم که جرئت می کنند، کم نیستند. همین شکست هایی که در این چند سال، آمریکایی ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه های مقاومت است. جبهه مقاومت، امروز یک جبهه قوی است (خامنه ای، ۱۳۹۸، بیانات).

افق و چشم‌انداز گفتمان مقاومت در منظر مقام معظم رهبری، تحقق تمدن نوین اسلامی است که همان تصویر مطلوب در تصویرپردازی از آینده جهان اسلام است و با ظهور منجی عالم بشریت، به نقطه کمال و حقیقت خود می‌رسد. تمدنی که عدالت و امنیت در همه جنبه‌های آن، عزت‌مندی، کرامت انسانی، رشد و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی از مختصات آن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنها را در روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت بخشد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنها بودند، جانشین ساخت و حتماً آن دینی را که برای آنها پسندیده است (دین اسلام)، مستقر و استوار سازد و بی‌تردید وضعیت آنها را پس از بیم و ترس، به امن و ایمنی تبدیل نماید به طوری که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. هر که پس از این (نعمت بزرگ) کفران ورزد، حقیقتاً نافرمان‌اند.

این آیه دورنمایی کلی از حقیقت تصویر مطلوب آینده جهان اسلام دارد که تحقق آن، از وعده‌های الهی بوده که حتمی و یقینی است، هر چند که دشمنان و سلطه‌طلبان، نخواهند که آن تحقق پیدا کند.

در همین راستا نیز می‌توان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به منزله تجدید مطلعی، خطاب به ملت ایران، به‌ویژه جوانان و به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود، را در چارچوب گفتمان مقاومت تصور کرد و می‌توان گفت که روح حاکم بر این بیانیه، گفتمان مقاومت است؛ به شکلی که در بخش اول این بیانیه که اشاره به مسیر طی شده انقلاب دارد، بیان‌کننده تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی براساس گفتمان مقاومت است و بخش دوم نیز که توصیه‌هایی برای طی کردن مسیر پر پیچ‌وخم روبرو دارد نیز، براساس همین گفتمان و مبتنی بر آن تعریف شده است.

۲. گفتمان مقاومت، پیشران تحقق آینده جهان اسلام

براساس آنچه که در بخش قبل براساس اندیشه مقام معظم رهبری تبیین شد، می‌توان

گفتمان مقاومت را به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام معرفی کرد. به طور کلی، پیشران^۱، نیروی بزرگ تغییر و عامل عمده شکل دهنده تغییر است. پیشران این پتانسیل را دارد که صحنه را با تحول اساسی روبرو سازد. در واقع منظور از پیشران، هر چیزی است که صحنه و محیط کلان را متحول کرده و تغییر دهد (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ص ۱۸۶). با این توضیح، مشخص است که گفتمان مقاومت، می تواند به عنوان یک پیشران برای تحقق آینده جهان اسلام لحاظ شود. به گفته آقای المنجره، جهان اسلام، نیازمند تحول و تغییر نوآورانه و خلاقانه است و گفتمان مقاومت می تواند چنین چیزی را تضمین کند. سنت و قانون خداوندی این گونه است که تا تغییری در قومی ایجاد نشود، خداوند آن قوم را تغییر نمی دهد ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱). تا امت اسلام، به دنبال تغییر در جامعه و زندگی خود نشوند، نمی توان انتظار داشت که برای جوامع اسلامی و امت اسلامی، تغییری مثبت در جهت شکل دهی آینده مطلوب جهان اسلام، رقم بخورد.

همچنین می توان گفتمان مقاومت را به عنوان یک تسریع کننده تمدنی^۲ لحاظ کرد که به خلق بنیان های یک تمدن جدید (اسلاتر، ۲۰۰۲م: ۳۴۹) که همانا تمدن نوین اسلامی است، کمک می کند.

گفتمان مقاومت، می تواند به عنوان تنها عامل وحدت آفرین امروز جهان اسلام تلقی شود که توانایی شکل دهی بنیان های آینده مطلوب جهان اسلام و تمدن نوین اسلامی را دارد. مبتنی بر این گفتمان، می توان انتظار تحول و تغییر نوآورانه را از سوی جهان اسلام داشت که با رویکردی فوق فعال، به مقابله با طراحی های القایی کشورهای سلطه طلب و استعمارگر در خصوص آینده جهان اسلام پرداخته و به شکلی کنشگرانه، گام در مسیر تحقق این آینده مطلوب برمی دارد. فهم چارچوب گفتمان مقاومت و حقیقت آن توسط جوامع اسلامی، می تواند آینده هایی بسیار متفاوت از حال و گذشته را برای این جوامع رقم زند.

چشم انداز و دورنمایی که براساس این گفتمان تصویر می شود، همان جامعه عدل مهدوی است که می تواند به عنوان تمدن کامل جهان اسلام و بهشت موعود دنیایی مطرح شود. می توان این چشم انداز را به عنوان یک امتیاز ویژه گفتمان مقاومت مطرح کرد.

1. Driving force

2. Civilizational catalyst

امتیاز ویژه دیگری که این گفتمان دارد، قدرت منحصر به فردی است که در ورای این گفتمان وجود دارد و آن قدرت معنوی است که اراده خداوند بر تحقق آن تعلق پیدا کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲)، یعنی: آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش نمایند، در حالی که خداوند تنها می‌خواهد نور خود را کامل نماید، هر چند کافران خوش نداشته باشند. همچنین در آیات گوناگون قرآن به این سنت و قانون حتمی یاری خداوند اشاره شده است که اگر مسلمانان به دنبال یاری خداوند، قدم برداشته و ثابت قدم باشند، خداوند قطعاً آنها را یاری خواهد فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰).

بنابراین، لازم است که کشورهای اسلامی، چارچوب این گفتمان را درک کرده و به خوبی نقش خود را در تحقق آینده جهان اسلام تعریف و ایفا کنند. در قالب چارچوب گفتمان مقاومت، می‌توان نهادهایی را در سطح بین‌المللی در بین کشورهای اسلامی تعریف کرد، مانند بازار اسلامی بین‌المللی در سطح جوامع اسلامی و طراحی پول بین‌المللی اسلامی که به تقویت روابط اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهای اسلامی کمک کرده و اثرات تحریم بین‌المللی را از سوی کشورهای سلطه‌طلب، تا حدی برطرف کند. در همین راستا تحکیم روابط و تعاملات سیاسی در بین کشورهای اسلامی در چارچوب گفتمان مقاومت، می‌تواند اثراتی شگرف را برای آینده جهان اسلام داشته باشد. همچنین تقویت فرهنگ اسلامی در بین کشورهای اسلامی با تأکید بر گفتمان مقاومت، می‌تواند نقطه عطفی در تقابل با فرهنگ صادراتی غرب، در جنگ نرم تعریف شده بین اسلام و غرب باشد.

لذا به طور خلاصه باید گفت که گفتمان مقاومت می‌تواند به عنوان یک پیشران و تسریع‌کننده تمدنی لحاظ شود که در مسیر تحقق آینده جهان اسلام، برهم‌زننده تمامی معادلات خطی و طراحی‌های دشمنان در خصوص آینده جهان اسلام بوده و به عنوان یک عامل تغییردهنده و محرک قدرتمند تحول نوآورانه تلقی شود.

نتیجه‌گیری

از آن جایی که آینده‌پژوهی، علم و هنر طراحی و معماری آینده است، می‌تواند این حوزه دانشی، مورد سوءاستفاده از سوی کشورهای استعمارگر قرار گرفته و ابزاری باشد برای ترویج و

گسترش سلطه آنها بر سایر کشورها؛ چیزی که می‌توان به جرئت گفت، در عمل اتفاق افتاده است. کشورهای سلطه‌طلب، با استفاده از این حوزه دانشی و کاربست ابزارهای آن در جهت تحقق اهداف خود در سایر کشورها، خواسته‌اند که سلطه خود را بر جهان و جوامع کشورهای گوناگون حفظ کرده و خود را به عنوان کدخدای جهان معرفی کنند. از این جریان، کشورهای اسلامی مستثنی نبوده و می‌توان گفت که جزء جوامعی بوده‌اند که به نسبت، تحت سیطره قدرت‌های غربی و خواسته‌ها و امیال آنها قرار گرفته‌اند.

در نقطه مقابل، کشورهای اسلامی اگر بخواهند خود برای آینده خود و جهان اسلام تصمیم بگیرند، لازم است در تقابل با این جریان، رویکردی فوق‌فعال داشته و با راهبرد همگرایی و وحدت، خود برای آینده جهان اسلام طراحی داشته، نه آنکه در زمین بازی طراحی شده از سوی غرب، بخواهند حرکت کنند و به سمت تحقق آن آینده‌ای بروند که جهان غرب برای آنها ترسیم کرده است.

در جهت تحقق این رویکرد در این مقاله، گفتمان مقاومت به عنوان عامل وحدت‌آفرین جهان اسلام و پیشران تحقق آینده جهان اسلام و تمدن نوین اسلامی مطرح شد. چارچوب مفهومی این گفتمان به شکلی دقیق، در دیدگاه‌های معمار کبیر انقلاب و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تبیین شده است. با ترویج این گفتمان در بین کشورهای اسلامی و برنامه‌ریزی برای تحقق آن، می‌توان انتظار داشت که جهان اسلام به شکلی فوق‌فعال در جهت تحقق آینده مطلوب جهان اسلام گام برداشته که آن تحقق عدالت و امنیت به شکل کامل، عزتمندی، کرامت انسانی، رشد و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی است.

منابع

قرآن کریم

- _ امین ناجی، محمدهادی و همکاران. (۱۳۹۵). «ویژگی‌های حکومت آخرالزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده‌پژوهی اسلامی باتکیه بر نهج‌البلاغه». *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ۲۰، ۱۴۵ تا ۱۶۵.
- _ بل، وندل. (۱۳۹۱). *مبانی آینده‌پژوهی*. مترجم: مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- _ بهروز لک، غلامرضا و میرشاه ولایتی، فرزانه. (۱۳۹۰). «آینده جهان اسلام از منظر دو آینده‌پژوه مسلمان: سردار و المانجرا». *مشرق موعود*. شماره ۱۹، ۱۳۱-۱۵۵.

- پدرام، عبدالرحیم و احمدیان، مهدی. (۱۳۹۴). *آموزه‌ها و آرموده‌های آینده‌پژوهی*. تهران: موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- پدرام، عبدالرحیم و طبائیان، سید کمال. (۱۳۹۲). «روندهای حاکم بر آینده جهان اسلام». *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۵ و ۶، ۱۰-۲۴.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۲). «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*. شماره ۱۰، ۳۱-۵۲.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸). «بیانات در دیدار مردم مازندران». ۱۳۸۸/۱۱/۰۶. khameni.ir.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). «بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور ونزوئلا». khameni.ir. ۱۳۹۴/۰۹/۰۲.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵). «بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع)». khameni.ir. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸). «بیانات در سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی». khameni.ir. ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.
- حسینی مقدم، محمد و صنیع اجلال، مریم. (۱۳۹۱). «همگرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی». *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. شماره ۳، ۱-۱۹.
- شاکری زواردهی، روح‌الله و مولوی وردنجانی، عیسی. (۱۳۹۷). «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای». *مطالعات انقلاب اسلامی*. شماره ۵۵، ۹۹-۱۲۰.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۹۵). «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی». *مطالعات ملی*. شماره ۶۷، ۸۳-۱۰۲.
- قاسمی، بهزاد. (۱۳۹۷). «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفت‌و‌مان انقلاب اسلامی». *آفاق امنیت*. ۱۱ (۳۸)، ۵-۳۳.
- قاسمی، حاکم. (۱۳۹۶). «تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی». *آینده‌پژوهی ایران*. شماره ۳، ۳-۲۱.
- المنجره، مهدی. (۱۳۸۴). *آینده‌های دنیای اسلام. آینده‌پژوهی در جهان اسلام: نیازها، واقعیت‌ها و دیدگاه‌ها*. مترجم: سیاوش ملکی فر. تهران: نشر اندیشکده آصف.

- _ موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- _ مهدی‌پور، آسیه. (۱۳۹۸). «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای». *دانش سیاسی*. ۱۵ (۲)، ۵۳۹-۵۶۶.
- _ ناظمی اردکانی، مهدی و خالدیان، صفرعلی. (۱۳۹۷). «مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام». *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ۷ (۲)، ۵۹-۸۶.
- _ نجات‌بخش اصفهانی، علی. (۱۳۹۲). «آینده در قلمرو مدیریت و رهبری حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف». *مدیریت در دانشگاه اسلامی*. ۲ (۲)، ۲۹۷-۳۲۸.
- _ نقی‌پورفر، ولی‌الله و افضل‌ی، علیرضا. (۱۳۸۷). «*تصویرپردازی از ویژگی‌های آینده موعود: به‌سوی الگوی قرآنی*».
- _ Elmandjra, M. (1990) "The Future of the Islamic World", Symposium on "The Future of the Islamic World", Algiers, 4-7 May.
- _ Elmandjra, M. (1991) "The Future of the Arab World: Three Scenarios", Al-Alam, Rabat, 2nd January.
- _ Elmandjra, M. (2004) "How Will the Arab World be Able to Master its Own Independent Developments?" Kyodo News, 25 September.
- _ Inayatullah, S. (1998) Exploring the Futures of the Ummah: A Review of Simulation Models and Approaches to the Study of Alternative Futures, American Journal of Islamic Social Sciences 15 (1).
- _ Sardar, Z. (1985) "Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come", London: Mansell Publishing Ltd.
- _ Sardar, Z. (1988) "The Future of Muslim Civilization", KualaLumpur, Pelanduk Publications.
- _ Sardar, Z. (1998) "Postmodernism and The Other: The New Imperialism of Western Culture", London: Pluto Press.
- _ Sardar, Z. (2006) "What Do Muslims Believe", London: Granta Books. Western Culture, London: Pluto Press.
- _ Slaughter R. (2002) "Futures Studies as a Civilizational Catalyst", Futures 34, 349-363.